مبانی و آثار تعویق صدور حکم مجازات در نظام‌های کیفری ایران و فرانسه

تاریخ‌دریافت ۹۴/۱/۲۲ - تاریخ‌پذیرش ۹۴/۶/۱

عادل ساریخانی [۱]

چکیده

یکی از اهداف سیاست کیفری پیشگیری از جرم با اجرای مجازات است. سیاست کلی مزبور همواره با استثنائاتی مواجه بوده است. تعویق صدور حکم کیفری که درحقوق کشورهای غربی به ویژه فرانسه شناخته شده است و اخیراً در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مورد توجه مقنن ایران قرارگرفته است، نهادی می‌باشد که در پرتو اندیشه‌ی جرم‌شناسان و سایر اندیشمندان حقوق به رسمیت شناخته شده است، تأسیس مورد بحث در حقوق اسلامی بر اساس قاعده «رعایت مصلحت توسط حاکم» قابل توجیه است. در این تحقیق، به تبیین نهاد تعویق صدور حکم مجازات در ایران و مقایسه‌ی آن با حقوق فرانسه می‌پردازیم. ضرورت توجه به شخصیت بزهکار، عدم انحصار واکنش‌های اجتماعی علیه پدیده‌ی مجرمانه در کیفر، توجه به هزینه‌های اجتماعی، فرهنگی، عاطفی و اقتصادی زندان، اختیارات وسیع حکومت اسلامی در قلمرو تعزیرات در شمار مبانی توجیهی نهاد تعویق صدور حکم هستند. با ملاحظه‌ی سابقه‌ی تقنینی تعویق صدور حکم جزایی در فرانسه، استفاده از آرای کارشناسان و در نظر گرفتن داده‌های جرم‌شناختی می‌توان گفت نهاد فوق تا حد زیادی در جامعه‌پذیری مجرمین و در نتیجه کاهش آمار جنایی نقش سازنده‌ای ایفا نموده است. در حقوق ایران به دلیل جدید بودن این نهاد و نبود مطالعات تحلیلی و میدانی کافی نمی‌توان قضاوت روشنی از آثار عملی نهاد تعویق صدور حکم جزایی ارایه کرد.

واژگان کلیدی: تعویق صدور حکم، صدور حکم، مجازات، ایران، فرانسه.

۱. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم رایانامه: adelsari@yahoo.com

مقدمه

برخی مانند کانت اعتقاد به اجرای مجازات حتی با اضمحلال جامعه دارند. عده‌ای نیز در جهت تلطیف این نظر برآمده و مانند کانت با اعتقاد به اراده‌ی مجرم همیشه اجرای مجازات را ضروری نمی‌دانند. براساس این نظریه همواره صدور حکم و اجرای مجازات ضروری نیست. آنسل باور داشت که بایستی به روش‌های مختلف، در صدد تلفیق منافع فرد و جامعه و سازش میان آنها برآمد، که در نتیجه‌ی جامعه‌پذیری و اصلاح مجرم، راه ورود وی به اجتماع و حمایت از او برای تداوم زندگی شرافتمندانه و عاری از جرم را فراهم نمود. (آنسل،۱۳۹۱: ۵۴)

در فرانسه، از نهاد تعویق صدور حکم در کنار معافیت از مجازات سخن به میان آمده است؛ یعنی دادگاه در شرایط خاصی اختیار دارد، حتی صدور حکم جزایی را با اثبات مجرمیت به تعویق اندازد. در این کشور، تشکیل پرونده‌ی شخصیت در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی در جرایم جنایی الزامی است و در مقام اعطای تعلیق و آزادی مشروط نیز رجوع به پرونده‌ی شخصیت ضرورت دارد. (حسینی،۱۳۹۲: ۲۳) در حقوق فرانسه، به شخصیت بزه‌دیده به عنوان یک انسان، بدون توجه به فعلیت یافتن عمل جنایی و دخالت وی در وقوع جرم، توجه خاص شده است. این به آن معنا است که موضوع برقراری توازن بین منافع بزهکار و بزه‌دیده به جهت ترمیم و التیام آلام بزه‌دیده و جامعه مورد توجه مقنن فرانسوی قرار گرفته است.

قانونگذار ایرانی در ماده (۲۸۶) قانون آیین دادرسی کیفری تشکیل پرونده‌ی شخصیت در خصوص اطفال و نوجوانان و مرتکبین جرایم موجب مجازات سلب حیات، حبس ابد، جرایم موجب مجازات قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دیه‌ی کامل یا بیش از آن، جرایم موجب مجازات تعزیری درجه چهار و بالاتر و همچنین

جرایم سیاسی و مطبوعاتی را الزامی دانسته است. پس از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مجازات‌های جایگزین حبس جهت بازپروری و بازسازگاری برای مجرم در محیط خارج از زندان فراهم شده است تا به این وسیله ضمن اعطای فرصت مجدد به مرتکب و در صورت اقتضاء با اجرای دستورات مقام قضایی، خود را با هنجارهای اجتماع منطبق سازد.

۱. مفهوم تعویق صدور حکم[1]

تعویق در لغت به معنای بازداشتن، کار را عقب انداختن(معین، ۴۰۵:۱۳۶۶)، تأخیر و درنگ کردن(دهخدا،واژه تعویق) در کاری است. از نظر حقوقی تعویق صدورحکم اوضاع و احوال خاصی است که به‌رغم تحقق جرم، صدور حکم به تعویق می‌افتد. به عبارت دیگر دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت با توجه به شرایط مجرم، صدور حکم را از مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد. بنابراین تعویق صدور حکم یعنی اختیار مقام قضایی صادرکننده‌ی حکم کیفری (Grant،276 :1988) در جرایم کم اهمیت با مجازات‌های سبک در به تعویق انداختن صدور حکم کیفری با هدف اصلاح بزهکار فاقد سابقه‌ی محکومیت کیفری مؤثر برای مدتی محدود، همراه یا بدون لزوم اجرای دستورات مراقبتی. در قانون مجازات اسلامی تعویق صدور حکم پیش‌بینی شده است که بر اساس آن قاضی دادگاه می‌تواند بعد از تشخیص گناه‌کاری متهم از تعویق استفاده کند. در ادامه‌ی این مقاله به تطبیق دو نظام جزایی ایران و فرانسه خواهیم پرداخت.

۲. پیشینه‌ی نهاد تعویق صدور حکم مجازات درایران و فرانسه

مطالعه‌ی تاریخ حقوق کیفری نشان می‌دهد که تأسیس حقوقی نهادهای تعویق مجازات در حقوق کامن‌لا بعد از جنگ جهانی اول (۱۸۷۰میلادی) مورد توجه بوده است که مطابق آن قضات انگلیسی در برخورد با جرایم کم اهمیت در صورتی که متهم را

1 . deferment of passing sentence

مستحق ارفاق می دانستند از صدور حکم به محکومیت جزایی او خودداری کرده و تعیین مجازات را برای مدتی به تعویق می انداختند. در این مدت، رفتار متهم به وسیله‌ی مأموری که از طرف دادگاه تعیین می‌شد مورد کنترل قرار می گرفت و چنانچه در مدت مقرر، گزارشی از سوی مأمور به دادگاه مبنی بر حسن رفتار متهم تسلیم می‌شد، قاضی مجازاتی تعیین نمی‌کرد ولی هرگاه متهم برخلاف تعهداتش رفتار می‌کرد، دادگاه او را به مجازات محکوم می‌نمود. تعویق صدور حکم در فرانسه به سال ۱۸۸۴ از طرف سناتور برانثره مطرح شد (ولیدی،۱۳۷۵،ج۴: ۱۹۱) و این موضوع در سال ۱۸۸۵ در انجمن بین‌المللی حقوق جزای تشکیل شده در رم مورد بحث و بررسی قرار گرفت و سرانجام به سال ۱۸۹۱ تعلیق مجازات به شیوه‌ی خاصی در قانون جزای فرانسه پذیرفته شد و متعاقب آن به تدریج در قوانین جزایی کشورهای سوییس، پرتغال، فنلاند، برزیل، آرژانتین، اتحاد جماهیر شوروی، چین، یوگسلاوی، لهستان و مصر مورد قبول قرار گرفت. (روزنامه رسمی قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران: ۱۳۷۷)

در اواخر قرن نوزدهم به علت روند رو به رشد جرایم و افزایش آمار تکرار جرم و ازدحام مجرمان در زندان به تدریج اعتماد به توانایی جنبه‌های اصلاحی مجازات حبس درباره‌ی مجرمین بر اثر نفوذ نظریات جرم‌شناسی به شدت متزلزل شد به نحوی که مفهوم عدالت کیفری مورد نظر طرفداران مکتب نئوکلاسیک حقوق جزا در اعمال مجازات‌های سالب آزادی به منظور اصلاح و تهذیب اخلاقی مجرمین به ویژه مجرمین جوان مورد انتقاد و تردید قرار گرفت و تلاش‌هایی تحت تأثیر آرای جرم‌شناسان شکل گرفت، چنانکه اعمال مجازات به نحوی به مرحله‌ی اجرا گذارده شود که به ابزار موثری برای تعالی و اصلاح مجرم بدل گردد. (سلیمی،۱۳۸۴: ۵۲۴) مجرمین به ویژه جوانان، مورد توجه دانشمندان حقوق کیفری و قانونگذاران قرار گرفتند و استفاده از مددکاران اجتماعی برای نظارت و سرپرستی مجرمینی که مجازات‌های آنها توسط دادگاه معلق و کاهش داده شده است به صورت آزاد و در خارج از زندان برای مدتی به منظور تربیت و آماده شدن برای ادامه‌ی زندگی در جامعه مقرر شد. به تدریج در بعضی از کشورها گرایش‌هایی به منظور خطرهای ناشی از رفتار مجرمین با استفاده از تعویق توأم با مراقبت شروع گردید. در

نظام‌های کیفری کامن‌لا و همین‌طور در نظام‌های مبتنی بر حقوق موضوعه، استفاده از تخفیف مجازات به صورت اعطای آزادی یا مراقبت به شکل خاصی به موقع اجرا درآمد؛ در این راستا با این که کاهش مجازات در نظام کامن‌لا و حقوق موضوعه عناصر و ارکان مخصوص به خود را دارد، لکن بعد از جنگ جهانی دوم، زمینه‌ی همگرایی بین این دو نظام در مسأله‌ی تخفیف مجازات بیشتر شد که در نتیجه اعمال تعلیق و تعویق مجازات به صورت آزاد در خارج از زندان در اکثر قوانین کشورهای اروپایی و آمریکایی با روش نو پذیرفته شده است. امروز در بیشتر نقاط دنیا، تعویق مجازات شیوه آزادی با مراقبت در خارج از زندان یکی از راه‌حلهای برخورد کارساز با مجرمین به منظور تقلیل تعداد زندانیان و اصلاح بازسازی شخصیت اجتماعی مجرمین است.

اگر چه تعویق صدورحکم در حقوق کیفری ایران سابقه‌ای قبل از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ندارد، ولی می‌توان مقرراتی را درباره‌ی ترک دعوا و تعقب کیفری یافت که شباهت نزدیکی به تعویق دارند. به عبارت دیگر اگر چه در قانون و تحلیل حقوق‌دانان از این نهاد کیفری با عنوان تعلیق تعقیب یاد شده است، ولی عنوان دقیق‌تر آن ترک یا تعویق تعقیب است. این قاعده با عنوان اصل موقعیت داشتن یا مناسب بودن تعقیب یا مقتضی بودن تعقیب مورد بحث قرار گرفته است. بنابر اصل مفید بودن تعقیب، دادستان مجاز است تا در مواردی که تعقیب کیفری متهم به مصلحت جامعه نیست تحت شرایط پیش‌بینی شده در قانون، از تعقیب صرف‌نظر کرده و از ارجاع پرونده به دادگاه جهت محاکمه ی متهم خودداری نماید. قرار تعلیق تعقیب توسط دادستان که برای نخستین بار در سال ۱۳۵۲ وفق ماده (۴۰) مکرر قانون آیین دادرسی کیفری و ماده (۲۲) قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ در امور جنحه و موردی که متهم دارای سابقه‌ی محکومیت مؤثر کیفری نبوده و همین‌طور اقرار مقرون به واقع توسط متهم و فقدان شاکی خصوصی و یا گذشت وی و با توجه به وضع اجتماعی و سوابق زندگی و روحیه‌ی متهم و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است وارد حقوق موضوعه ایران گردیده است که طبق آن به دادستان اجازه داده شده بود که تحت شرایطی رأساً قرار تعلیق تعقیب را صادر نماید. به موجب ماده (۴۰) مکرر الحاقی به قانون آیین دادرسی کیفری

سال ۱۳۵۲ که مقرر می‌داشت «در امور جنحه هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرم نماید و این اقرار حسب محتویات پرونده مقرون به واقع باشد، در صورتی که دادستان با ملاحظه‌ی وضع اجتماعی و سوابق زندگی و روحیه‌ی متهم و اوضاع واحوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده تعلیق تعقیب را مناسب بداند می‌تواند با احراز شرایط زیر تعقیب کیفری او را معلق و پرونده را به دادگاه جنحه ارسال نماید:۱-موضوع اتهام از جرایم مندرج در باب دوم قانون کیفر عمومی نباشد، ۲-متهم سابقه‌ی محکومیت مؤثر نداشته باشد، ۳-شاکی خصوصی در بین نبوده یا گذشت کرده باشد، دادگاه جنحه در صورتی که قرار تعلیق را تأیید نماید، قرار قطعی است؛ در غیر این صورت طبق مقررات به موضوع اتهام رسیدگی خواهد نمود...» پس از آن قانونگذار به موجب ماده (۲۲) قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری ۱۳۵۶، ضمن حذف قید «با ملاحظه‌ی وضع اجتماعی و سوابق زندگی و روحیه‌ی متهم و اوضاع و احوال» عنوان نموده بود «در کلیه‌ی اتهامات از درجه‌ی جنحه هرگاه متهم به ارتکاب جرم اقرار نماید، دادستان (رییس دادگستری) رأساً می‌تواند تا اولین جلسه‌ی دادرسی با احراز شرایط زیر تعقیب کیفری او را معلق سازد: ۱-اقرار متهم حسب محتویات پرونده مقرون به واقع باشد، ۲-متهم سابقه‌ی محکومیت کیفری مؤثر نداشته باشد، ۳-شاکی یا مدعی خصوصی در بین نبوده یا شکایت خود را استرداد کرده باشد...»؛ به این ترتیب قانونگذار جهت کاهش کار دادگاه‌ها، امر تعلیق تعقیب را رأساً به دادستان واگذار نمود، ولی تعلیق تعقیب از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ و قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب۱۳۸۱ حذف شد.

با این وصف اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۷/۳۵۷۷ مورخ ۱۳۸۲/۵/۷ مقرر نموده است «ماده (۲۲) قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ نسخ نشده و به اعتبار و قوت خود باقی است... لذا صدور قرار تعلیق تعقیب کیفری از سوی دادستان بلااشکال است». بنابراین اداره‌ی مذکور منسوخ دانستن قانون مزبور را مردود اعلام نموده است. بالاخره تعویق صدور حکم مجازات به طور صریح و در مواد (۴۰) به بعد قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در بخشی از جرایم تعزیری کم اهمیت وارد سیستم حقوقی ایران گردید که دربخش‌های بعدی بررسی خواهد شد.

۳. مبانی تعویق صدور حکم مجازات درایران و فرانسه

۳-۱. نظریه برچسب زنی

بسیاری ازجرم شناسان ردپای نظریه‌ی برچسب زنـی را بـه کتـاب «جـرم و اجتمـاع» اثـر فرانکتانن[1] باز می‌گردانند (ویلیامز،۱۳۸۳: ۱۵۳)، که معتقد بود وقتی فردی به عنوان بزهکـار دستگیر می‌شود این برچسب بزهکاری علاوه بر اینکه می‌تواند تصویر شخص از خودش را تغییر دهد موجب می‌شود تا مردم نسبت به آن برچسب و نه به خود آن فـرد واکـنش نشـان دهند.(ویلیامز،۱۳۸۳: ۱۵۵) این تفکر تانن بام عنوان برچسب زنی به خود نگرفـت تـا اینکـه در سال ۱۹۶۳ آقای هوارد بکر[2] استاد دانشگاه شیکاگو نظریه‌ی تانن بام را روز آمد کـرد و تئوری برچسب زنی[3] یا لکه زنی[4] را ارائه کرد.

نظریه برچسب زنی در فضای انتقاد به حقوق کیفری و جرم شناسـی زمـان خـود مطـرح شد و ابتدا تعریف حقوقی (قانونی) جـرم و فراینـد جـرم‌انگـاری را مـورد انتقـاد قـرار داد و سپس برچسب زنی را به عنوان عامل جرم مطرح و از جـرم‌شناسـی موجـود بـه خـاطر خُـرد نگری و نادیده گرفتن نقش حقوق کیفری و نهادهای کنترل جرم در بررسی عوامل جرم به شدت انتقاد کرد. (نجفی ابرندآبادی،۱۳۸۴: ۲۷۶)

وظیفه‌ی جرم‌شناسان ارائه‌ی یک تحقیق قابل مشاهده و ملموس در مورد این است کـه چرا برخی از مردم مرتکب جرم می‌شوند. ولـی از منظـر نظریـه‌ی برچسـب زنـی «انحـراف کیفیتی از واکنش است و ذات یک رفتار نیست. اگر واکنشی وجود نداشـته باشـد انحرافـی وجود ندارد». (وایت و هیـنس،۱۳۸۲: ۱۱۹) حفـظ یـک خـود- انگـاره‌ی نامجرمانـه، بـرای اغلب مردم خیلی مهم است وقتی شخص دستگیر و محاکمه و در نهایت محکـوم مـی‌شـود جامعه طی این فرایند شخص را به طور رسمی و گسترده مجرم معرفی می‌کنـد(ولـد، ۱۳۸۰: ۳۰۱)؛ در این صورت ممکن است شخص تصویر داده شده از سوی جامعـه را بپـذیرد و بـر

1 . Frank Tannenbaum
2 . Howard Becker
3 . Labelling theory
4 . Stigmatization

اساس آن، تصویر شخصی خویش را تغییر دهـد و خـود- انگـاره‌ی مجرمانـه در وی شـکل گیرد. رفتار مجرمانه‌ای که در بستر یک خود- انگاره‌ی نامجرمانه به علـل مختلـف زیسـتی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی روی می‌دهد از نظر لمرت [1] انحراف اولیه است (ولـد، ۱۳۸۰: ۳۰۱)؛ ولی رفتار مجرمانه‌ای که در بستر یـک خـود –انگـاره‌ی مجرمانـه ارتکـاب مـی‌یابـد انحراف ثانویه است. از نظر لمرت فراینـد آن عبـارت اسـت از « انحـراف اولیـه، مجـازات، انحراف بیشتر، مجازات سنگین‌تر، پذیرش نهایی موقعیت اجتماعی منحـرف و تـلاش‌هـایی برای تنظیم بر اساس نقش مرتبط». (ولد، ۱۳۸۰: ۳۰۲)

به هرحال بر چسب زدن مجرمیت به کسانی که احساس می‌شود برای اولین بار مرتکب جرم شده‌اند و با وجود این جرم ارتکابی از طرف آنها اهمیت چندانی نـدارد و بـرای مثـال متنبه، نادم و پشیمان شده‌اند چندان به صواب نیست(اردبیلی، ۱۳۹۰: ۵). اگر دستگاه قضـایی بخواهد این دسته از افراد را محکوم کند باید تشریفات دادرسی طـولانی را در ایـن فرآینـد رعایت کند، به این ترتیب یک سابقه‌ی محکومیت برای وی ایجاد مـی‌شـود. هـر چنـد کـه گاهی گفته می‌شود جرایم کم‌اهمیت نباید سابقه‌ای برای مرتکب محسوب شـوند و مراتـب محکومیت در سجل کیفری ثبت شوند. بـا ایـن حـال ایـن احتمـال وجـود دارد کـه بـه ایـن ترتیب افراد مذکور محکوم شوند و آثار این مهر محکومیـت بـر پیشـانی بزهکـار هـم‌چنـان باقی بماند. نهاد تعویـق صـدور حکـم نهـادی اسـت کـه در محـدوده‌ی قـانون، فرصـتی بـه مرتکب نادم داده می‌شود تا دیگر مرتکب جرایم بعدی نشود. در ضمن ایـن تعویـق صـدور حکـم بـه مثابـه‌ی یـک شمشـیر بـالای سـر مجـرم اسـت کـه اگـر بزهکـار بـه دسـتورهای دادگاه توجه نکرد و مرتکب جرایم جدیدی شد، دادگاه بتواند هم‌چنان که به جـرم پیشـین رسیدگی کرده است، صدور حکم محکومیت را معوق گذاشته است، بلافاصله مبادرت بـه صدور حکم محکومیت کند و مفاد محکومیت پیشین را هم به اجرا بگذارد.

1 Edwin M.Lemert

۳-۲. اصلاح و درمان

تعویق صدور حکم که به صورت مراقبتی و به منظور تربیت و بازسازی شخصیت مجرم اجرا می شود مستلزم اعمال نوعی سرپرستی و ارشاد مجرم توسط متخصصان و مددکاران اجتماعی در دورانی است که مجرم به طور آزمایشی تحت مراقبت قرار می‌گیرد. در این مدت شخص یا سازمانی که سرپرستی مجرم را عهده‌دار می شود بایستی با استفاده از مبانی جرم‌شناسی مجرم را تحت نظارت خویش مورد راهنمایی قرار داده و زمینه‌ی اصلاح و سازگاری وی را در جامعه برای بازیافت موقعیت اجتماعی مناسب فراهم نماید، از این رو نظارت بر رفتار مجرم در مدت تعلیق یکی از ارکان تشکیل دهنده‌ی تعلیق توأم با مراقبت محسوب می‌گردد. به علاوه اهمیت ویژه ی سرپرستی و ارشاد مجرمین در این دوران که به صورت انفرادی صورت می گیرد نوعی کنترل قضایی به حساب می‌آید و به عنوان یک واکنش اجتماعی مبتنی بر درمان بالینی، راه را برای اصلاح و بازسازی مجرم هموار می‌کند اما اتکای بر نظارت و راهنمایی مجرم در مدت معین، خود نوعی عکس‌العمل جامعه نیز در جهت تعالی و تربیت مجرم خواهد بود. به عبارت دیگر تعویق توأم با مراقبت، اگر چه کیفر جانشین مجازات محسوب می‌گردد با وجود این صرفاً یک مجازات نیست بلکه شیوه‌ای برای اصلاح و تربیت شخص مجرم و یک تأسیس حقوقی قابل انعطاف در حل مشکلات جامعه است. در حقیقت تعویق توأم با مراقبت یک ارفاق قانونی موقت است که به عنوان یک فرصت مناسب برای اصلاح به مجرم اعطا می‌شود ولی در صورت عدم اطاعت مجرم از دستور دادگاه امکان اعمال مجازات در ساختار این نوع تعویق آشکار خواهد شد. به اعتقاد گاروفالو (از بنیانگذاران مکتب تحققی) باید اصل «استعداد بزهکار برای زندگی» را جانشین عمل او ساخت. در واقع این نهاد باید به دنبال ابزاری مناسب به منظور جلوگیری از وقوع مجدد جرم و تکرار جرم باشد. به هرحال این اقدامات دارای جنبه‌ی سرزنش اجتماعی یا مجازات نیست بنابراین از صفت زجردهندگی و ترذیلی مبرا هستند. در اعمال و اجرای این اقدامات تقصیر و سوءنیت مجرمانه‌ی مرتکب ملاک و معیار قرار نمی گیرد زیرا اگر این کار انجام می‌شد، دیگر تفاوتی میان این اقدامات با مجازات‌ها وجود نداشت. بنابراین ملاک بهره گیری از امکانات و ابزارهای لازم برای بازسازی اجتماعی مجرم و

آغاز برای یک زندگی سالم است. در واقع اعمال این نهاد باید به نحوی اجرا و به شکلی مقرر و تنظیم شود که مجرم احساس نکند که او را به خاطر تقصیرش کیفر می دهند چه در غیر این صورت از هدف‌های عینی این اقدامات دور می‌مانیم. در تعویق مراقبتی دادگاه صادرکننده‌ی قرار می‌تواند مرتکب را با توجه به جرم ارتکابی و خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی او به‌نحوی که در زندگی محکوم یا خانواده‌اش اختلال اساسی و عمده ایجاد نشود به اجرای یک یا چند مورد از دستورات اصلاحی زیر در مدت تعویق ملزم نماید: «حرفه‌آموزی یا اشتغال به حرفه‌ای خاص، اقامت یا عدم اقامت در مکان معین، درمان بیماری یا ترک اعتیاد، پرداخت نفقه‌ی افراد واجب‌النفقه، خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری، خودداری از فعالیت حرفه‌ای مرتبط با جرم ارتکابی یا استفاده از وسایل مؤثر در آن، خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاونین جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه‌دیده به تشخیص دادگاه، گذراندن دوره یا دوره‌های خاص آموزش و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی یا شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی». یکی از فواید آشکار تعویق صدورحکم این است که مجرمان را ازمحیط‌های جرم‌زا دور می‌کند(احمدی موحد،۱۳۹۰:۳۵) و در چنین شرایطی آنها را در جامعه‌ی خود نگه می‌دارد تا از مزیت بازسازگاری اجتماعی بهره‌مند شوند. اشخاصی که مشمول تعویق صدور حکم می‌شوند معمولاً شغل خود را ادامه می‌دهند و در کنار خانواده‌ی خود زندگی می‌کنند و از آنها حمایت می‌کنند و در برنامه های آموزشی و تفریحی و مهارتی شرکت می‌کنند از مشاوره برخوردار می‌شوند و به زندگی خود ادامه می‌دهند. با اینکه در زندان‌های باز، زندانیان می‌توانند از برنامه‌های آموزشی و مهارتی و اجتماعی استفاده کنند، اما هیچ‌گاه به اندازه‌ی کسانی که در جامعه آزادانه زندگی می‌کنند فرصت بازسازگاری اجتماعی نخواهند یافت. همچنین به مجرمان اجازه می‌دهند در جامعه بمانند و شغل خود را حفظ کنند، خانواده‌های خود را حمایت کنند و خسارت بزه‌دیده را جبران کنند. فلسفه‌ی اصلی تعویق، اصلاح مجرم است و این امر باید در آینده‌ی محکوم‌علیه محقق شود. تصمیم دادگاه صرفاً یک برنامه‌ریزی برای اصلاح محکوم است. با وجود این موفقیت این تصمیم به میزان تعامل و خواست محکوم بستگی دارد.

(گلدوزیان،۱۳۸۲: ۱۵۴) هر چند در قوانین تصریح نشده است که آیا شرط برخورداری از این قانون موافقت محکوم‌علیه با تصمیم توسط دادگاه می‌باشد یا خیر؟ لیکن به نظر می‌رسد که تعویق اجباری کارساز نیست و باید توافقی اعمال شود.

۳-۳. پیشگیری از تکرارجرم

تکرار جرم یا به عبارت بهتر بازگشت به رفتار جنایی، صرف‌نظر از هزینه‌هایی که بر اقتصاد جامعه و بودجه‌ی عدالت کیفری تحمیل می‌کند، نظم و امنیت عمومی را نیز به مخاطره می‌اندازد. به همین اعتبار یکی از مهم‌ترین معیارهای قانونی خطرناکی فرد محسوب می‌شود. عقیده بر این است رفتار کیفری مکرر و به ویژه رفتار خشونت‌بار مجرمانه، نشان‌دهنده‌ی تمایل و رغبت و اصرار بزهکار به ارتکاب جرم در آینده است، یعنی با توجه به سوابق کیفری بزهکار می‌توان حدس زد که وی در آینده نیز مرتکب جرم خواهد شد. (Morris, 1951: 130) بزهکاری که به علت ارتکاب جرم تحت تعقیب قرار گرفته و نهایتاً به موجب حکم قطعی به تحمل مجازات محکوم شده است، چنانچه مجدداً مرتکب جرم گردد، خطرناک‌تر از کسی است که برای جرایم قبلی‌اش در پنجه‌ی عدالت کیفری گرفتار نشده است، زیرا در مورد اول معلوم می‌شود که بزهکار از تعقیب و محدودیت‌های اعمال شده از طریق دستگاه عدالت کیفری متنبه نشده و مجازات سابق نیز اثر بازدارنده نداشته است؛ اما در مورد دوم که شخص به‌رغم ارتکاب جرم گرفتار دستگاه عدالت کیفری نشده است، چنانچه مرتکب جرم دیگری گردد، به دلیل اینکه هنوز آثار بازدارندگی مجازات نسبت به او تجربه نشده است، نمی‌توان به قطع و یقین وی را خطرناک دانست. به این ترتیب کسی که مجدداً مرتکب جرم می‌شود، پرده از راز نهفته‌ای بر می‌دارد که نشان‌دهنده‌ی انحراف از ماهیت و طبیعت جامعه‌پذیری است، بنابراین باید وسایل دفاع اجتماعی و تدابیر جامعه‌پذیر کردن چنین افرادی در جامعه، فعال‌تر گردد. بعضی از علمای حقوق عقیده دارند مجازات چنین افرادی باید شدیدتر گردد و چنانچه مجازات‌های اجرا شده اثربخش نباشند، باید نوع مجازات و تدابیر را تغییر داد و در صورت لزوم بزهکار را در وضعیتی قرار داد که توان ارتکاب جرم از او سلب گردد. (سمیعی، ۱۳۸۰: ۸۸) مطالعات انجام شده در چند دهه‌ی اخیر نشان می‌دهد اقلیت خاصی از

افراد، مرتکب اکثریت جرایم در جامعه می‌شوند، به طوری که گفته می‌شود حدود ده درصد از جمعیت جنایی حدود پنجاه درصد کل جرایم را مرتکب می‌شوند. این افراد همان کسانی هستند که مرتکب جرایم متعدد شده و دارای سوابق محکومیت فراوان می‌باشند. از این بزهکاران مکرر به «ابر بزهکار» یاد می‌شود. (گسن،۱۳۷۴: ۲۱۶) مطابق تحقیقی در اسپانیا که بین سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۰ انجام شد، چهل و پنج درصد زندانیان پس از آزادی، دوباره مرتکب جرایم دیگر شده‌اند. این میزان در آمریکا شصت درصد تخمین زده شده است. (آشوری،۱۳۸۲: ۱۵۴)

در مقابل نظریه‌ی به کارگیری مجازات بیشتر برای جلوگیری از تکرار جرم، بعضی از جرم شناسان بر این باورند که می‌توان با تصویب قوانین و فرآیندهایی از ورود افراد به محیط‌هایی که سبب می‌شود آنها دچار مجازات‌های بعدی شوند جلوگیری کرد. این همان نکته و اصلی است که قانونگذاران را بیشتر معطوف این نکته می کند که نگذارند پای فردی که دچار جرایم مشخص و قابل گذشت است به محیط‌هایی که سبب جرایم بعدی می‌شود باز شود.

۴. شرایط تعویق صدور حکم در قانون مجازات اسلامی با نگاهی به قانون مجازات فرانسه

۴-۱. جرم تعزیری درجه شش تا هشت بودن در ایران و جرم جنحه و خلاف در فرانسه

نهاد تعویق به موجب ماده (۴۰) قانون مجازات اسلامی فقط در جرایم موجب تعزیر امکان‌پذیر است و آن هم، جرایم موجب تعزیری که از درجه‌ی شش تا هشت باشد. بنابراین اولاً تعویق در جرایم غیرتعزیری و جرایم مشمول حد، قصاص و دیه جاری نمی‌شود. ثانیاً همه‌ی تعزیرات را شامل نمی‌شود، و قلمرو آن فقط شامل جرایم تعزیری درجه‌ی شش تا هشت است. در این ماده مقرر شده است «در جرایم موجب تعزیر درجه‌ی شش تا هشت دادگاه می تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه‌ی وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است در صورت وجود شرایط زیر صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد». در قانون مجازات فرانسه تعویق صدور حکم در جرایم خلاف و جنحه امکان پذیر است.

طبق ماده (۵۸-۱۳۲) «در جرایم جنحه یا خلاف، جز در موارد مذکور در مواد (۱۳۲)، (۶۳) تا (۱۳۲)، و (۶۵) دادگاه می‌تواند پس از اعلام مجرمیت متهم و پس از آنکه در صورت اقتضا در مورد ضبط اشیای خطرناک یا زیان‌بار مربوط به جرم تصمیم گرفت، محکوم را از هر مجازات دیگری معاف نماید یا در موارد و مطابق شرایط مذکور در مواد بعدی اعلام کیفر را به تعویق اندازد».

۴-۲. پیش‌بینی اصلاح مرتکب

براساس ماده (۳۸) قانون مجازات اسلامی جهات تخفیف عبارتند از گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، همکاری مؤثر متهم در شناسایی شرکا یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیای حاصل از جرم یا به کار رفته برای ارتکاب آن، اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم از قبیل رفتار یا گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده یا وجود انگیزه‌ی شرافتمندانه در ارتکاب جرم، اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار مؤثر وی درحین تحقیق و رسیدگی، ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری، کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن، خفیف بودن زیان وارده به بزه‌دیده یا نتایج زیان‌بار جرم و مداخله‌ی ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم. در قانون مجازات فرانسه با عنوان حاصل‌شدنِ بازپروری بزهکار در صدر ماده (۶۰-۱۳۲) آمده است هنگامی که به نظر می‌رسد بازپروری اجتماعی بزهکار در حال تحقق است، دادگاه می‌تواند صدور کیفر را به تعویق بیاندازد. قاضی دادگاه پس از بررسی کامل پرونده و با استفاده از نظریات کارشناسان امر در دوران تعویق و به ویژه در نوع مراقبتی، اختیار تعویق حکم مجرمین را دارد.

در هر دو نظام مقنن معیاری برای پیش‌بینی قابلیت اصلاح معین نکرده است. به نظر می‌رسد قاضی با توجه به مطالعه‌ی وضعیت متهم و استفاده از مشاوره‌های مددکاران اجتماعی می‌تواند میزان قابلیت اصلاح مجرم را پیش‌بینی کند. ماده (۴۱) قانون مجازات اسلامی در تعویق ساده به پیش‌بینی از طریق رفتار مرتکب اشاره کرده است. در ماده (۶۰-۱۳۲) قانون مجازات فرانسه نیز با عبارت «نیل به باز جای‌گیری در اجتماع» به مسأله‌ی اصلاح مجرم اشاره شده است.

۴-۳ جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران

در بند (پ) از ماده (۴۰) قانون مجازات اسلامی به جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران توسط مجرم اشاره شده است. البته ضوابط مشخصی برای نحوه‌ی جبران در تعویق صدور حکم وجود ندارد، ولی طبق قوانین قبلی برای جبران ضرر و زیان مقرراتی وجود دارد. منطقی‌ترین روش جبران ضرر و زیان به صورت ترمیم عینی خسارت می‌باشد. ترمیم عینی خسارت عبارت است از بازگرداندن وضع زیان‌دیده از جرم به حالت پیش از وقوع بزه که طبیعی‌ترین راه ترمیم ضرر و زیان ناشی از جرم می‌باشد، هر چند این روش جبران خسارت استرداد اموال واشیای ناشی از جرم را نیز در بر می‌گیرد، ولی برخی از حقوق‌دانان روش استرداد اموال ناشی از جرم را از شمول راه‌های جبران خسارت وارد بر بزه‌دیده خارج ساخته‌اند. (میرمحمدصادقی،۱۳۸۶: ۱۹۸) این گروه بر این عقیده‌اند که قانونگذار تعیین تکلیف اشیای ناشی از جرم از جمله استرداد آنان را بر عهده‌ی مقام قضایی نهاده است، در روش اخیر نیازی به تقدیم دادخواست ضرر و زیان و طرح دعوای خصوصی نیست و مقام قضایی صلاحیت‌دار رأساً ملزم به انجام وظیفه‌ی قانونی خود است. در نقطه‌ی مقابل اغلب حقوق‌دانان بر این باورند که اگر چه این مسأله از لحاظ موازین و معیارهای فنی آیین دادرسی کیفری دارای توجیه است، ولی چنانچه بپذیریم که مرتکب جرم با اخراج عین مال از ید صاحب آن، علاوه بر سایر ضرر و زیان‌های احتمالی وارد بر بزه‌دیده موجبات تضرر وی را فراهم ساخته است، در این صورت استرداد اموال حاصل از جرم به صاحب آن نیز می‌تواند گونه‌ای از راه‌های جبران خسارت وارد بر بزه‌دیده انگاشته شود. (فقیه نخجیری،۱۳۸۸: ۱۲۴) چنانچه موضوع خسارت وارده بر بزه‌دیده مال غیر منقول باشد، ترمیم عینی خسارت از طریق خلع ید از ملک مورد تصرف عدوانی امکان‌پذیر خواهد بود. قانون مجازات اسلامی در مقام بیان حکم استرداد اموال حاصل از جرم به عنوان یکی از روش‌های ترمیم عینی خسارت مقرر می‌دارد «مجرم باید مالی را که در اثر ارتکاب جرم تحصیل کرده است، اگر موجود باشد عیناً و اگر موجود نباشد مثل یا قیمت آن را به صاحبش رد کند و از عهده خسارت‌های دیگر نیز برآید».

به طور کلی بزه‌دیده شناسی که در آغاز به مطالعه‌ی ویژگی‌ها و نقش بزه‌دیده در تکوین جرم و همچنین رابطه‌ی قربانی جرم با مجرم پرداخته بود، از اواخر سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۷۵ چشم‌انداز وسیع‌تری مورد توجه قرار گرفت که در آن شخصیت بزه‌دیده به عنوان یک انسان، بدون توجه به فعلیت یافتن عمل جنایی و دخالت وی در وقوع جرم، مورد نظر واقع شد. بزه‌دیده شناسی خود شاخه‌ای از جرم‌شناسی واکنش اجتماعی است؛ ولی ازآنجا که تأثیرات شگرفی بر نظام عدالت کیفری داشته است به صورت مستقل بحث می‌شود. این شاخه از علوم جنایی ضمن ایجاد فرصت برای بزهکار جهت جبران ضررهای وارد به اشخاص، به خود بزه‌دیده نیز این امکان را می‌دهد که احساسات، هیجان‌ها و پرسش‌های خود را به بزهکار بازتاب دهد تا از این طریق بزهکار به غیرانسانی بودن عمل خود پی ببرد. این شرمساری برای او عبرت‌آموز و بازپذیرکننده خواهد بود و سبب می‌شود متهم از نیاز واقعی بزه دیده که در اثر ارتکاب عمل مجرمانه ایجاد شده است آگاه شود و در تسکین بزه‌دیده بکوشد.

در حقوق فرانسه، جهت استفاده ازتعویق می بایست ضمن جبران خسارت‌های ناشی از بزه بر اشخاص، توقف ادامه‌ی آسیب به نظم عمومی جامعه نیز مورد نظر قرار می‌گیرد. از این رو این شرط با دو جهت مطرح شده است، اول اینکه خسارت و ضرر و زیان پدید آمده از جرم در حال جبران باشد، و دوم اینکه بی نظمی که با ارتکاب جرم ایجاد شده است در آستانه‌ی توقف باشد. در این راستا ذکر دو نکته مفید به نظر می رسد اولاً برای تحقق جهت اول همین اندازه که خسارت ناشی از جرم شروع به جبران شده باشد کافی است، و جبران کامل خسارت یا در آستانه‌ی جبران کامل بودن لازم نمی‌باشد. همچنین به نظر می رسد برخلاف حقوق ایران، صرف برقراری ترتیبات جبران خسارت جهت استفاده از این نهاد کفایت نکند. ثانیاً، مقنن فرانسوی بزه‌دیده را هم ناظر بر اشخاص و هم جامعه به عنوان هویت‌های مستقل دانسته است و تبعاً جبران خسارت از هر دوی اینها به عنوان شرط استفاده از این نهاد ارفاقی خواهد بود. بر اساس بند (۲) ماده (۵۸-۱۳۲) قانون جزای فرانسه، چنانچه دادخواست ضرر وزیان تقدیم شده باشد، دادگاه ضمن تصمیم در خصوص تعویق، حکم به ضرر وزیان مدعی خصوصی نیز صادر می‌نماید.

۴-۴. فقدان سابقه‌ی کیفری مؤثر

یکی از شرایط بهره‌مندی از امتیاز تعویق صدور حکم کیفری به موجب بند «ت» ماده (۴۰) قانون مجازات اسلامی «فقدان سابقه‌ی کیفری مؤثر» می‌باشد. این شرط در حقیقت به شرط «پیش‌بینی اصلاح مرتکب» باز می‌گردد اما از ظاهر قانون چنین استفاده می‌شود که شرط یاد شده، شرط مستقلی است و حتی اگر دادگاه، اصلاح مرتکب را پیش‌بینی کند اما مرتکب دارای سابقه‌ی کیفری مؤثر باشد صدور حکم وی قابل تعویق نیست. ممکن است گفته شود سابقه‌ی کیفری یک اماره‌ی مطلق بر عدم اصلاح مرتکب است.

منظور از سابقه‌ی کیفری مؤثر این است که حکم می‌بایست در یکی از دادگاه‌های بدوی یا تجدیدنظر صادر و مدت اعتراض آن به پایان رسیده باشد. تبصره ماده (۴۰) اشعار می‌دارد «محکومیت مؤثر، محکومیتی است که محکوم را به تبع اجرای حکم، بر اساس ماده (۲۵) این قانون از حقوق اجتماعی محروم می‌کند». بر این اساس، محرومیت از حقوق اجتماعی در مجازات‌های سالب حیات و حبس ابد به مدت هفت سال پس از توقف اجرای مجازات‌های اصلی و محکومیت به قطع و قصاص عضو مقرر شده است مشروط بر اینکه دیه جنایت وارد شده، بیش از نصف دیه مجنی‌علیه باشد. نفی بلد و حبس تا درجه‌ی چهار بین پنج تا بیست و پنج سال، تا سه سال محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی به دنبال خواهد داشت. در شلاق حدی و قصاص عضو، با دیه‌ی معادل نصف یا کمتر از دیه‌ی کامل مجنی‌علیه و حبس درجه پنج بین دو تا پنج سال، دوسال محرومیت از حقوق اجتماعی دارد.

به این ترتیب کسانی که دارای سابقه‌ی محکومیت غیر قطعی و یا دارای سابقه‌ی محکومیت حقوقی هستند، مشمول سابقه‌ی کیفری مؤثر نخواهند بود. البته عدم اجرا یا شروع به اجرای حکم محکومیت تأثیری در عدم تحقق شرط مذکور ندارد. به علاوه محکومیت کیفری قطعی به جرایم عمدی موجب محرومیت از تعویق صدور حکم می‌شود. بنابراین محکومیت کیفری قطعی به جرایم غیرعمدی یا در حکم شبه عمد یا خطای محض یا در حکم آن مشمول شرط مذکور نخواهد بود. سابقه‌ی محکومیت به

جزای نقدی و شلاق تعزیری و انفصال، سابقه‌ی مؤثر کیفری محسوب نشده و مانع اعمال تعویق صدور حکم نیستند.

هدف قانونگذار از پیش‌بینی شرط بالا این بوده است که سیاست جنایی ایران به سمت ارفاق به آن دسته از بزهکارانی سوق داده شود که پیش‌تر نیز ارزش‌ها و هنجارهای مورد قبول جامعه را رعایت کرده و از خود رفتار ناشایستی ابراز نکرده‌اند. درباره‌ی فقدان سابقه‌ی کیفری موثر در قانون مجازات فرانسه پیش‌بینی خاصی نشده است.

۵. آثار تعویق صدور حکم کیفری درایران و فرانسه

تعویق صدور حکم هم دارای آثار مثبت و هم منفی است. در یک نگاه کلی براساس آمارها می‌توان دریافت که جمعیت محبوسین افزایش پیدا کرده است لذا از مهم‌ترین آثار تعویق صدور حکم کاهش تعداد محبوسین به ویژه درحبس‌های کوتاه‌مدت است. با وجود این مرتکب نسبت به بزه‌دیده، شهروندان و جامعه وظایفی دارد که باید آن را رعایت کنند. در قوانین ما در این مورد توجه کافی نشده است. برای بررسی تطبیقی این نواقص شرایط خاص آثار تعویق را در مقایسه با حقوق فرانسه مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

۵-۱. قرار تعویق صدور حکم و آثار مترتب بر آن در حقوق ایران

قانونگذار در تبصره (۱) و (۲) ماده (۴۱) قانون مجازات اسلامی عبارت «قرار تعویق صدور حکم» و در ماده (۴۴) عبارت «لغو قرار تعویق» را به کار برده است. بنابراین دادگاه تعویق صدور حکم را در قالب قرار و نه حکم صادر می‌نماید. این قرار از مصادیق قرارهای اعدادی یا نهایی آیین دادرسی کیفری نیست، زیرا بر اساس تعریف مذکور در آیین دادرسی کیفری، قرار عبارت از تصمیم مراجع قضایی برای تکمیل تحقیقات یا اظهارنظر در مورد قابلیت یا عدم قابلیت محاکمه‌ی متهم است، در حالی که قرار تعویق صدور حکم هیچ ارتباطی به تحقیقات مقدماتی یا قابلیت محاکمه ندارد و آنچه در این قرار مورد نظر قرار می‌گیرد قابلیت مجرم برای محکومیت یا معافیت است. بر اساس تبصره (۱) ماده (۴۱) این قرار با حضور بزهکار صادر می شود. دلیل ممنوعیت صدور غیابی قرار تعویق آن است که متهم با حضور در جلسه‌ی دادرسی باید تعهداتی را بپذیرد. بر همین اساس است که چنانچه متهم از قبول تعهد خودداری کند دادگاه ملزم به صدور حکم محکومیت خواهد بود. اگر متهم در جلسه‌ی دادگاه حضور نداشته باشد منعی برای تجدید جلسه وجود ندارد

تا متهم برای دادن تعهد حضور پیدا کند و بهتر است علت حضور در احضاریه قید شود. در هر حال دادگاه تکلیفی برای تجدید جلسه ندارد.

۵-۲. لغو قرار تعویق صدور حکم

در دوره‌ی اجرای تعویق مجرم تحت تدابیر کنترل و نظارت قرار دارد تا در صورت عدم انجام تعهدات و الزامات تعیین شده، برخی اقدامات درباره‌اش اجرا شود.

در صدر ماده (۴۴) قانون مجازات اسلامی مقرر شده است «در مدت تعویق، در صورت ارتکاب جرم موجب حد، قصاص، جنایات عمدی موجب دیه یا تعزیر تا درجه هفت، دادگاه به لغو قرار تعویق اقدام و حکم محکومیت صادر می‌کند». از این رو دادگاه پس از احراز جرایم فوق ضمن لغو قرار تعویق، متهم را احضار و در صورت عدم حضور، او را جلب و برای وی حکم محکومیت صادر می‌نماید.

در اینجا ذکر چند نکته ضرورت دارد، اولاً در بند (الف) ماده (۴۱) قانون مجازات اسلامی، شرط تعویق صدور حکم سپردن تعهد برای عدم ارتکاب جرم دانسته شده است بدون اینکه نوع جرم را مشخص کند. اما صدر ماده (۴۴) قانون مجازات اسلامی که ضمانت اجرای این تعهد را بیان می کند به جرایم خاصی اشاره دارد. ثانیاً در صورتی دادگاه اقدام به لغو قرار تعویق و صدور حکم محکومیت مجرم خواهد نمود که جرم ارتکابی در مدت تعویق اثبات و حکم محکومیت قطعی برایش صادر شده باشد، اما ماده (۴۴) قانون مجازات اسلامی هیچ اشاره‌ای به اثبات جرم در مدت تعویق ندارد و این امر عاری از ایراد نیست. بنابراین در صورتی که حکمی علیه وی صادر شده باشد ولی هنوز مراحل نهایی را طی ننموده باشد، دادگاه نمی‌تواند به این دلیل اقدام به لغو قرار تعویق صدور حکم نماید.

ثالثاً مجرم باید در مدت تعویق؛ اعتماد دادگاه را جلب نماید، یکی از راه‌های جلب اعتماد، عدم ارتکاب جرم است. بنابراین ارتکاب هر جرمی در مدت تعویق از موجبات لغو قرار تعویق صدور حکم خواهد بود. اما حکم قانونگذار در این خصوص مطلق نبوده و این احتمال که مجرم در دوره‌ی تعویق ممکن است مرتکب جرایم کوچک شود لحاظ شده است و چنین بیان نموده که اگر جرم تعزیری تا درجه هفت ارتکاب یافت، قرار تعویق لغو می‌شود. مفهوم مخالف این مقرره آن است که در صورت ارتکاب جرایم تعزیری درجه هشت، دادگاه نمی‌تواند اقدام به لغو قرار تعویق نماید و همین امر موجب می‌شود دادگاه پس از اتمام مدت تعویق به محکومیت مجرم حکم دهد. از طرف دیگر، ارتکاب جرم

جدید ضمن لغو قرار تعویق صدور حکم، سبب تحمیل دو مجازات جرم موضوع قرار تعویق و جرم لغو کننده‌ی آن قرار می‌شود.

مجرم پس از صدور قرار تعویق صدور و در دوران تعویق آزمایشی ملزم به اجرای دستوراتی از سوی دادگاه شده است که اگر آنها را اجرا ننماید، به استناد ماده (۴۴) قانون مجازات اسلامی قاضی می‌تواند برای یک بار تا نصف مدت مقرر در قرار به مدت تعویق اضافه یا حکم محکومیت صادر کند. قانونگذار ملاک خاصی برای اتخاذ یکی از دو تصمیم مقرر در ماده (۴۴) بیان نکرده است. از این رو دادگاه اختیار کامل دارد، اما بهتر است دادگاه در تصمیم‌گیری خود به نوع تخلف و آثار آن توجه نماید.

طبق تبصره ماده (۴۴) قانون مجازات اسلامی با ارتکاب جرایم موجب حد، قصاص، جنایات عمومی موجب دیه یا تعزیر تا درجه هفت در مدت تعویق، ضمن لغو شدن قرار تعویق و صدور حکم محکومیت، دیگر امکان بهره‌مندی از تعلیق اجرای مجازات نیز وجود ندارد.

ممنوعیت تعلیق اجرای مجازات در خصوص فردی که حکم محکومیتش به تأخیر افتاده و در مدت مذکور پای بند به تعهدات نبوده ومرتکب جرم شده و سپس قرار تعویقش لغو شده است امری منطقی است زیرا اعتماد مجدد به او غیر قابل توجیه است و تعلیق اجرای مجازات او در آینده اقدامی بیهوده خواهد بود.

از دیگر موارد لغو تعویق صدور حکم کشف سابقه‌ی محکومیت کیفری موثر است. در ماده (۵۵) قانون مجازات اسلامی مقررشده است «هرگاه پس از صدور قرار تعلیق، دادگاه احراز نماید که محکوم دارای سابقه‌ی کیفری مؤثر یا محکومیت قطعی دیگری بوده است که در میان آنها محکومیت تعلیقی وجود داشته و بدون توجه به آن اجرای مجازات معلق شده است، قرار تعلیق را لغو می‌کند. دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز مؤظف است در صورت اطلاع از موارد فوق، لغو تعلیق مجازات را از دادگاه درخواست نماید. حکم این ماده در مورد تعویق صدور حکم نیز جاری است». وفق ماده‌ی مزبور، چنانچه در اثنای بهره‌مندی مرتکب از مزایای تعویق صدور حکم، جرمی کشف ولی هنوز منتهی به نتیجه نشده باشد، قرار تعویق صدور حکم لغو نمی‌گردد، زیرا آنچه موجب الغای قرارتعویق است محکومیت کیفری موثر و نه ارتکاب جرم است. همین‌طور اگر پس از اتمام دوران آزمایشی قرار تعویق معلوم شود محکوم‌علیه دارای سابقه ی محکومیتِ مانع تعویق بوده است، به نظر می‌رسد مجوزی برای لغو قرار تعویق صدور حکم وجود نخواهد داشت؛ چه آن که این نظر علاوه بر سازگاری با موازین حقوقی به نفع متهم نیز می‌باشد.

۵-۳. اتمام مدت تعویق

بدیهی است چون دادگاه به هنگام صدور قرار تعویق تمامی اقدامات دادرسی حتی اخذ آخرین دفاع از متهم را انجام می‌دهد، لکن به جای حکم محکومیت، قرار تعویق صدور حکم صادر می نماید، پس در پایان مدت تعویق نیازی به تشکیل جلسه‌ی دادرسی نیست مگر با حدوث شرایط جهت لغو قرار تعویق یا وجود ادعاها یا ابهاماتی که تشکیل جلسه‌ی رسیدگی را اقتضاء نماید. ماده (۴۵) قانون مجازات اسلامی دو تصمیم را به عنوان تصمیم نهایی دادگاه پیش‌بینی نموده است: «پس از گذشت مدت تعویق با توجه به میزان پای‌بندی مرتکب به اجرای دستورهای دادگاه، گزارش مددکار اجتماعی و نیز ملاحظه‌ی وضعیت مرتکب، دادگاه حسب مورد به تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر اقدام می‌کند». براین اساس، دادگاه هم اختیار صدور حکم محکومیت کیفری و هم اختیار حکم معافیت از کیفر را دارد، یعنی مرتکب در طول مدت به تأخیر افتادن صدور حکم محکومیتش، پیوسته باید مراقب رفتار خود و پای بند به دستورات دادگاه باشد. قاضی محکمه پس از پایان مدت تعویق مکلف است در صدور رأی نهایی به گزارش‌های مددکار اجتماعی توجه نماید، یعنی گزارش مددکار یک تدبیر قانونی است که ملاک تصمیم دادگاه قرار می‌گیرد.

۵-۴. آثار صدور قرار تعویق صدور مجازات در فرانسه

در حقوق فرانسه طبق ماده (۳-۷۴۷) قانون آیین دادرسی کیفری، اگر متهم از تدابیر نظارت و مددکاری یا الزامات خاص تبعیت نکند، قاضی اجرای مجازات می‌تواند پیش از انقضای مدت آزمایشی، دادگاه را به منظور تصمیم‌گیری مطلع کند. حسب ماده (۱۷-۷۱۲) قانون آیین دادرسی کیفری قاضی اجرای مجازات‌ها در صورت عدم رعایت الزامات از سوی محکوم، می‌تواند علیه وی دستور جلب صادر نماید. وی مطابق ماده (۳-۷۴۷) قانون آیین دادرسی کیفری می‌تواند با قرار موجه‌ای که براساس درخواست‌های دادستان اتخاذ می‌شود، تصمیم بگیرد که محکوم به صورت موقت درنزدیک‌ترین مؤسسه‌ی زندان محبوس گردد. از دادگاه جنحه در کمترین مدت برای تصمیم‌گیری در خصوص مجازات درخواست می‌شود. پرونده باید حداکثر ظرف پنج روز از حبس محکوم در جلسه‌ی دادگاه ثبت شود، در غیر این صورت ذی‌نفع رأساً آزاد می‌گردد.

دادگاه بعد از تعویق صدور کیفر یک سال وقت تعیین می‌نماید تا در مورد کیفر تصمیم‌گیری نماید. تصمیم دادگاه از یکی از سه حالت زیر خارج نخواهد بود

الف. صدور کیفر: اگر محکوم در دوران تعویق آزمایشی به تعهداتی که برای وی توسط دادگاه تعیین شده است عمل نکند و به تدابیر نظارت و مددکاری یا الزامات خاص توجه ننموده و تبعیت نکند، و قاضی اجرای مجازات‌ها بر اساس گزارش‌های مددکاران اجتماعی دلیلی بر تمرد محکوم از انجام تعهدهای تحمیلی بیابد تکلیفی برای موکول نمودن درخواست اجرای مجازات تا پایان مهلت آزمایشی ندارد و می‌تواند طبق ماده (۳-۷۴۷) درخواست اجرای مجازات را کند.

ب. معافیت از کیفر: دادگاه در زمان اخذ تصمیم به تعویق، تاریخی جهت رسیدگی مشخص می‌نماید. چنانچه در آن زمان تحقق بازسازی اجتماعی بزهکار و جبران خسارت‌های ناشی از بزه و توقف زیان‌های ناشی از جرم به نظم عمومی احراز شود، دادگاه می‌تواند وفق ماده (۵۹-۱۳۲) قانون جزای فرانسه تصمیم بگیرد که هیچ‌گونه کیفری اعم از اصلی و جانشین مورد حکم قرار ندهد و معافیت مجازات اعلام شده در پیشینه‌ی کیفری فرد ثبت نشود. در دوران تعویق آزمایشی، مرتکب تحت تدابیر نظارتی و کنترل کننده قرار دارد که در صورت اجرای تمام دستورات دادگاه، این تدابیر و تعهدات خاتمه و حکم به معافیت از کیفر در خصوص مرتکب صادر می‌گردد. به علاوه در تعویق همراه با آزمون و مراقبت، قاضی اجرای مجازات‌ها طبق ماده (۶۵-۱۳۲) قانون جزا با موافقت دادستان می‌تواند یک ماه قبل از شروع جلسه‌ی رسیدگی و بر اساس اهداف تعیین شده در امر تعویق معافیت از کیفر را مورد حکم قرار دهد.

ج. تمدید تعویق صدورحکم: پس از تصمیم دادگاه مبنی بر تأخیر در صدور حکم مجازات و تعویق، مدتی به جهت اعمال نظارت در نظر گرفته می شود که پس از آن و در جلسه‌ی دوم دادرسی، در تعویق ساده و آزمایشی ، چنانچه دادرسان معتقد باشند مدت در نظرگرفته شده جهت اصلاح و بازسازی اجتماعی بزهکار کم بوده و نیاز به تمدید دوباره تعویق است، حسب ماده (۶۲ -۱۳۲) قانون جزا مدت تعویق تمدید می‌شود؛ با وجود این تصمیم در مورد کیفر در محدوده‌ی تاریخی یک سال از نخستین تصمیم بر تعویق خواهدبود. در تعویق همراه با تعهد یا دستور معین، تعهد بزهکار به اجرای یک یا چند دستور قانونی یا آیین‌نامه‌ای امکان تجدید جلسه‌ی رسیدگی وجود ندارد و اگر بزهکار دستور مقرر شده را با تأخیر اجرا نماید دادگاه می‌تواند موافق ماده (۶۳ – ۱۳۲) قانون جزا مانع از اجرای دستور شده و کیفر پیش‌بینی شده به موجب قانون یا آیین‌نامه را مورد حکم قرار دهد و یا هنگامی که دستورات از سوی مرتکب اجرا نشده، در آن صورت دادگاه

می‌تواند ضمن اجرای کیفر مقرر نماید که اجرای دستورات به هزینه‌ی محکوم و به طور رسمی انجام شود.

نتیجه گیری

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نهاد جدید تعویق صدورحکم درباره‌ی بالغین فقط درجرایم تعزیری درجه هفت و هشت قابل اجرا است ولی درباره‌ی اطفال به‌طور عام پذیرفته شده است. مناسب آن بود که این امر به اختیار قاضی واگذار شود، تا با در نظر گرفتن نتیجه‌ی هر جرم بر نظم اجتماع و سایر اوضاع و احوال و وضعیت بزهکار بتواند صدور حکم کیفری را به تعویق اندازد. در فرانسه، تعویق صدور حکم در تمامی جرایم جنحه و خلاف پذیرفته شده است؛ و صرفاً در جرایم سنگین با مجازات بیش از ده سال حبس که جزء جنایات به شمار می‌آیند، اجرا نمی‌شود.

از ابتکارات قانون مجازات اسلامی بهره‌گیری از تجارب مددکاران اجتماعی است؛ این امر موجب اتقان بیشتر قضاوت و موجب جلب اعتماد به محکمه است. قانون مجازات فرانسه، تعویق صدورحکم مجازات را برای اشخاص حقیقی وحقوقی مقررکرده است، درحالی‌که این امر باتوجه به عدم امکان صدور قرار تعویق برای تعزیر درجه شش برای اشخاص حقوقی قابلیت اجرایی ندارد.

در ایران دو نوع تعویق ساده و مراقبتی در قانون آمده است که به ترتیب با مدت شش ماه و دوسال هستند. در حالی‌که درحقوق فرانسه سه نوع تعویق لحاظ شده است، تعویق ساده، تعویق همراه با آزمون و مراقبت، و هم‌چنین تعویق همراه با دستور. مدت در نظر گرفته شده برای هر یک از این انواع حداکثر یک سال می‌باشد.

در نظام حقوقی ایران و بر اساس یکی از بندهای ماده (۴۰) قانون مجازات اسلامی شرط جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران پیش‌بینی شده است که به صرف تلاش مجرم برای گرفتن رضایت و جبران خسارت بزه‌دیده محقق می‌شود. ولی در فرانسه ضمن جبران خسارت های ناشی از بزه بر اشخاص، توقف ادامه‌ی آسیب بر نظم عمومی جامعه نیز مورد نظر قرار گرفته است.

به موجب بند (ت) ماده (۴۰) قانون مجازات اسلامی فقدان سابقه‌ی کیفری مؤثر از دیگر شرایط استفاده از نهاد تعویق صدور حکم می‌باشد. درفرانسه، چنین شرطی پیش بینی نشده است و حتی مجرمان با سابقه‌ی محکومیت به جرایم شدید نیز با وجود شرایط مقرر در قانون می‌توانند از این نهاد بهره ببرند. این امر نشان می‌دهد که قانونگذار ایرانی مترجم

صرف قانون فرانسه نبوده است بلکه مقتضیات زمان و مکان نیز در وضع قانون رعایت شده است.

در ایران تعویق مراقبتی به جهت ناتمام بودن و ناکام ماندن سیستم مراقبتی در کشور، به ندرت مورد حکم واقع می‌شود. پیش‌بینی سیستمی مشابه کشورهایی مانند انگلیس و فرانسه در کشور ما نیز به راحتی امکان‌پذیر است. بسیاری از نهادهای موجود همانند بهزیستی و سازمان جوانان با برنامه‌ریزی می‌توانند نقش مددکاری را ایفا کنند. دیگر سازمان‌های مدنی مردم‌نهاد می‌توانند در این زمینه نقشی اساسی داشته باشند. اساساً باید تعویق صدور حکم مبتنی بر مطالعه‌ی شخصیت محکوم باشد. در اکثر کشورها این امر با تشکیل پرونده‌ی شخصیت برای متهم در کنار پرونده‌ی اتهامی وی صورت می‌گیرد.

منابع

۱. آشوری، محمد، ۱۳۸۲ش، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، بی‌جا، نشر گرایش، بی‌چا.
۲. آنسل، مارک، ۱۳۷۰ش، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری، و علی‌حسین نجفی،تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ۱.
۳. احمدی موحد، اصغر، ۱۳۹۰ش، اجرای احکام کیفری، تهران، نشر میزان، چ۱.
۴. اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۸۲ش، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات میزان، بی‌چا، ج۲.
۵. تدین، عباس، ۱۳۸۸ش، قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، تهران،انتشارات روزنامه رسمی جمهوری اسلامی، بی‌چا.
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۸۸ش، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، نشر گنج دانش، چ۴، ج۲.
۷. حسینی، سید محمد، ۱۳۸۵ش، فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، عربی به فارسی – همراه با معادل انگلیسی، تهران، نشر سروش، چ۲.
۸. رایجیان اصلی، مهرداد، ۱۳۸۷ش، جایگاه بزه دیده در لایحه قانون مجازات اسلامی: نقد بزه دیده شناسانه باب کلیات، مجله پژوهشهای حقوقی، ش۱۴.
۹. سلیمی، صادق، ۱۳۸۴ش، چکیده حقوق جزای عمومی، تهران، تهران صدا، چ۱.
۱۰. سمیعی، حسن، ۱۳۸۰ش، حقوق جزا، تهران، شرکت مطبوعات، چ۴.
۱۱. گزارش هیأت اعزامی در بازدید از سیستم دادرسی ویژه‌ی نوجوانان وین، ۱۳۷۷ش، چاپ روزنامه رسمی قوه قضاییه جمهوری اسلامی.

۱۲. گسن، ریموند، ۱۳۷۴ش، جرم‌شناسی نظری، ترجمه مهدی کی‌نیا، و علی‌حسین نجفی،تهران، انتشارات مجد، چ۱.
۱۳. گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۲ش، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات میزان، چ۸.
۱۴. گودرزی بروجردی، محمدرضا، ۱۳۸۶ش، قانون مجازات فرانسه، قم،انتشارات سلسبیل، چ۱.
۱۵. فقیه نخجیری، حسن، ۱۳۸۲ش، دعوی خصوصی در دادگه جزایی، تهران، انتشارات میزان، چ۱.
۱۶. معین، محمد، بی‌تا، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چ۱۹، ج۱.
۱۷. میر محمد صادقی، حسین، ۱۳۸۶ش، جرایم علیه اشخاص، تهران، انتشارات میزان، چ۱.
۱۸. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، ۱۳۸۲ش، تقریرات جرم شناسی دوره کارشناسی.
۱۹. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، ۱۳۸۹ش، عدالت ترمیمی، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، ش۱۴.
۲۰. وایت، راب و هینس، فیونا، ۱۳۸۲ش، درآمدی برجرم و جرم‌شناسی، ترجمه بطحایی اصل،تهران، انتشارات دادگستر، بی‌چا.
۲۱. ولد، برنارد و اسنیپس، جفری و توماس، جرج، ۱۳۸۰ش، جرم‌شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی،تهران، انتشارات سمت، بی‌چا.
۲۲. ولیدی، محمد صالح، ۱۳۷۵ش، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات داد، چ۲، ج۴.
۲۳. ویلیامز، فرانک و مک شین، پی ماری، ۱۳۸۳ش، نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی،تهران، نشر میزان، بی‌چا.
24. Grant, William, (۱۹۸۸), sentence deferred- auseful Psychiatric recommendation, Psychiatric Bulletin.
25. Jareborg, Nils, (۲۰۰۵), Criminalization as last resort, OHIO State Journal of Criminal law, Vol. 2.
26. Norval, Morris, (1951), The IIabitual Criminals،London،Longman Green.
27. Tomas, David, (۲۰۰۸), Sentencing Referecer, London, Seet& Maxwell Champion.